



بررسی و نقد تاریخی روایات تدفین امام حسین (علیه السلام) در سده‌های میانه اسلامی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷، بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

سیده وجیهه میری^۱ سعید توفیق^۲

چکیده

تدفین حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش از نخستین مسائلی است که پس از پایان حادثه کربلا توجه اهل نظر را به خود جلب می‌کند. تدقیق در این مسئله از این جهت مهم است که عمر سعد تمام اهل و عیال امام حسین (علیه السلام) را با خود به کوفه به اسارت برد. با ترک ساحت قتال، اجساد شهدا بدون دفن، روی زمین رها ماندند. در قرون میانه اسلامی، علمای شیعی به این مسئله توجه ویژه کردند؛ در نتیجه احادیث و روایات تاریخی را وارد تراث شیعی کردند. با بیان این مسئله، نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی حول پاسخ به این دو پرسش سامان یافته است: در قرون میانه اسلامی چه نظریه‌هایی در خصوص تدفین امام حسین (علیه السلام) مطرح بود؟ کدام یک از نظریه‌های تدفین امام حسین (علیه السلام) در سده‌های میانه اسلامی به واقعیت تاریخی نزدیک‌تر است؟ در مصادر سده‌های میانه اسلامی سه نظر وجود دارد؛ یکی از این نظرات تاریخی و دو نظر دیگر حدیثی است که البته هر سه رأی با مناقشات علمی مواجه است. رأی نخست که منشأ تاریخی دارد قائل به آن است که بنی‌اسد عهده‌دار دفن پیکر حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش شدند. رأی دوم که در مصدر حدیثی «إختیار معرفة الرجال» ضبط شده قائل به آن است که امام زین‌العابدین (علیه السلام) متولی دفن پدر شهید خود شده است. رأی سوم که در کتاب «الأمالی» شیخ الطائفه تقریر شده قائل به آن است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) متولی دفن سبط شهید خود شده است. از میان این سه رأی آنچه به صواب و واقع نزدیک‌تر می‌نماید همان رأی نخست است که علمای فریقین بر آن اتفاق نظر دارند. از میان علمای شیعه امامی، فقهای متکلم بغداد (مکتب متکلمان و محققان) این رأی را درست دانسته‌اند و قائل به تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) نیستند.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام)، رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بنی‌اسد، تدفین.

۱. vmiri@ilam.ac.ir

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران:

۲. دکترای تخصصی تاریخ تشیع، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول):

tofigh_saeed@yahoo.com

۱. مقدمه

با پایان روز عاشورا در سال ۶۱ قمری امام حسین (علیه السلام) و اصحاب ایشان در جنگی نابرابر در عده و عده به شهادت رسیدند. فردای روز عاشورا، یعنی روز یازدهم محرم، عمر سعد جنازه یاران خود را دفن کرد و اجساد لشکریان حسین بن علی (علیه السلام) را بدون دفن، روی خاک کربلا زیر خورشید سوزان عراق رها و با اسیران آل محمد (علیهم السلام) به سمت کوفه حرکت کرد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۵۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳: ۴۱۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱ (الف)، ج ۲: ۱۱۴).

کانون بحث این نوشتار ناظر به این است که بعد از ترک ساحت قتال توسط عمر سعد، ماجرای دفن شهدای کربلا به کجا رسید؟ مهم‌تر اینکه دفن شخص حسین بن علی (علیه السلام) را چه کسی به عهده گرفت؟ به نظر می‌رسد این حساسیت در خصوص دفن امام حسین (علیه السلام) در سالیان بعد و در بیانی دقیق‌تر بعد از شهادت امام کاظم (علیه السلام) و در دوره امامت امام رضا (علیه السلام) بین شیعه ایجاد شد و در نتیجه در مصادر و تراث شیعی بازتاب یافت؛ وگرنه همان سده نخست چنین حساسیتی در خصوص دفن امام حسین (علیه السلام) در بین شیعیان به چشم نمی‌خورد.

این حساسیت بین شیعیان امامی از آنجا نشئت می‌گیرد که واقفیه برای نفی امامت امام رضا (علیه السلام) به ذکر روایتی از امام صادق (علیه السلام) در خصوص «الإمام لا یغسله إلا إمام من الأئمة علیهم السلام» پرداختند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۵-۱۰۶). در مقابل، امامیان که در برابر این شبهه واقفیه به حیرت افتاده بودند برای توجیه این روایت و احتجاج بر واقفیه اخباری مبنی بر حضور اعجازگونه امام رضا (علیه السلام) برای تجهیز پدرش از پیش خود ساختند (توفیق و میری، ۱۴۰۱ (الف): ۳۱)، اما آنچه شگفت می‌نماید آن است که اتفاقاً امامیان برای رفع این شبهه واقفیه می‌توانستند به دفن امام حسین (علیه السلام) که به شهادت گزاره‌های تاریخی توسط غیر معصوم صورت گرفته است احتجاج کنند؛ حال آنکه برعکس کوشیدند برای دفن امام حسین (علیه السلام) توسط معصوم نیز روایاتی نقل کنند.

۱-۱. روش و پرسش پژوهش

در این پژوهش سعی بر آن است که به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به مصادر حدیثی، کلامی و تاریخی به دو پرسش اساسی پاسخ دهیم:

الف. در قرون میانه اسلامی چه نظریه‌هایی در خصوص تدفین امام حسین (علیه السلام) مطرح بود؟

ب. کدام یک از نظریه‌های تدفین امام حسین (علیه السلام) در سده‌های میانه اسلامی، به واقعیت تاریخی نزدیک‌تر است؟

با توجه به اینکه بین مقاله «تطورشناسی رویکردها در تدفین شهدای کربلا» تألیف حسینیان مقدم و گودرزی (۱۳۹۴) و پژوهش حاضر سنخیت وجود دارد، تبیین تفاوت این دو مطلوب به نظر می‌رسد. اگرچه از مجموع مقاله مذکور روشن می‌شود نزد مؤلفان آن رأی مختار همان تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست بنی‌اسد است، اما چنان‌که از نام این مقاله مشخص است، مؤلفان کوشیده‌اند سیر تطوّر و دگرگونی روایت تاریخی دفن امام حسین (علیه السلام) را به خوانش کلامی (عقیدتی) پی‌جویی کنند.

آنان در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که قرن یازدهم هجری نقطه عطف تحولات و آغاز رویکرد کلامی و شروع فاصله گرفتن موضوع دفن امام از یک حادثه تاریخی به یک اصل اعتقادی است؛ در قرن سیزدهم لایه‌ای درون رویکرد کلامی شکل گرفت که به‌زودی رایج و جایگزین رویکردهای قبلی شد. رویکرد جدید با تکیه بر آمدن امام سجاد (علیه السلام) برای تجهیز پدر به‌عنوان یک رویکرد کلامی آثار عاشورایی را چنان تحت تأثیر قرار داد که بیشتر آن‌ها تا زمان حاضر، ضمن پذیرش این رویکرد آن را گسترش داده و در برابر رویکرد قبلی مقاومت کرده‌اند (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۴).

در مجموع باید گفت این مقاله درباره تطوّر و دگرگونی مسئله تدفین امام حسین (علیه السلام) از تاریخی به اعتقادی است، حال آنکه این مسئله از همان قرون میانه اسلامی به صورت تعارضی بین گزاره‌های تاریخی و حدیثی وجود داشته است. چه بعضی از مصادر شیعی

قرون میانه، تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) را به صورت گزارش حدیثی و نه در قالب یک احتجاج کلامی نقل کرده‌اند. در نتیجه، این مسئله قبل از آنکه نیازمند تطوّرشناسی از روایت تاریخی به خوانش کلامی در قرن یازدهم باشد؛ نیازمند تقابل‌شناسی روایت تاریخی با نصوص حدیثی در قرون میانه است. این مقاله برای حل این مسئله، از روش اعتبارسنجی تاریخی تمامی اقوال موجود در خصوص دفن امام حسین (علیه السلام) نزد علمای شیعه قرون میانه اسلامی، سود جسته است. مقاله حسینیان مقدم و گودرزی با عبور سریع از ادوار تاریخی و عدم تمرکز بر یک بازه زمانی، از تبیین تمامی اقوال نزد شیعه و حتی پاسخ تاریخی به برخی سؤالات پیرامون دفن امام حسین (علیه السلام) به دست بنی‌اسد، غفلت ورزیده است. حال آنکه در این مقاله کوشیده‌ایم با تعیین یک لایه و بُرش زمانی مشخص (قرون میانه اسلامی)، با بررسی اقوال علمای قرون میانه به سؤالات پیرامون دفن امام حسین (علیه السلام) پاسخ تاریخی و تحلیلی بدهیم.

نوآوری این مقاله در آن است که مناقشات علمی نظریه‌های شاخص در سده‌های میانه اسلامی پیرامون تدفین امام حسین (علیه السلام) را مورد تدقیق قرار داده است؛ در نتیجه آن، تجهیز^۱ امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مردود می‌داند؛ ضمن اینکه دفن امام توسط بنی‌اسد را که از مردمان روستای غاضریه بودند^۲، رأی اصح و ادق دانسته است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

اگر چه مطالعات تاریخی معاصر کوشیده‌اند به موضوع تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش بپردازند، اما عبور شتابزده آنان از این موضوع، مجال بررسی مستقل و روشمند این بحث و بررسی و نقد آرای مختلف و اختیار رأی صائب به پشتوانه ادله عقلی و نقلی را از آنان سلب کرده است. ضمن آنکه در مطالعات خود کمتر به رأی علمای مکتب متکلمان و محققان

۱. اگر چه مقصود از واژه تجهیز چهار فعل غسل، کفن، نماز و دفن میت است، اما در مقاله حاضر که به تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش می‌پردازیم، مقصود از تجهیز تنها نماز و تدفین آنان است؛ چراکه «شهید» در رکاب امام معصوم نیازی به غسل و کفن ندارد (مفید، ۱۴۱۰ق: ۸۴؛ طوسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۵۱-۳۵۴).

۲. غاضریه، از روستاهای اطراف کوفه و نزدیک به کربلا بود (یاقوت حموی، ۱۹۷۹، ج ۴: ۱۸۳).

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

قرون میانه اسلامی که فقیه و متکلم بودند اعتنا کرده‌اند؛ بنابراین پژوهش ما پیشینه‌ای مستقل و روشمند ندارد، اما از میان آثار محققان معاصر که در خصوص حیات امام حسین (علیه السلام) اقدام به نگارش کرده‌اند می‌توان این دسته‌بندی را ارائه کرد:

الف. بعضی از آنان تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش را به دست بنی‌اسد می‌دانند (عقاد، ۲۰۰۶: ۹۶؛ عسکری، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۱۷۳؛ امین عاملی، ۱۹۹۶: ۱۵۲؛ شهرستانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۳؛ آل‌کلیدار، ۱۹۴۷: ۱۹؛ آل‌طعمه، ۱۹۶۶: ۱۲؛ عاشور، ۱۴۳۰ق، ج ۱۴: ۱۷۰، ج ۱۵: ۲۰؛ حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۴: ۷۳-۱۰۱).

ب. بعضی از آنان تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش را به دست امام سجاد (علیه السلام) می‌دانند (موسوی مقرر (الف): ۳۱۸-۳۱۹؛ همان (ب): ۴۰۲؛ کاشی، ۱۴۲۳ق: ۲۱۱؛ فاضل دربندی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۲۲۵-۲۲۶؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۱۰۲).

ج. بعضی از آنان اگرچه از تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش به دست بنی‌اسد سخن به میان می‌آورند، اما بلافاصله این قول را که امام سجاد (علیه السلام) برای دفن امام حسین (علیه السلام) حضور یافت و عهده‌دار انجام آن شد بدون هیچ تحلیلی نیز ذکر کرده‌اند (قرشی، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۲۳-۳۲۴؛ قمی، ۱۴۲۱ق: ۳۵۳-۳۵۵). همچنین برخی کوشیده‌اند با تأویل حوادث تاریخی راهی میانه در پیش بگیرند و نوشته‌اند: در باطن امام سجاد (علیه السلام) تجهیز پدرش را به عهده گرفت، اما در ظاهر بنی‌اسد امام حسین (علیه السلام) و یارانش را دفن کردند (قاینی بیرجندی، ۱۳۸۶: ۳۲۷؛ قزوینی، ۱۴۳۷ق، ج ۱: ۴۰۸، ۴۱۲).

د. بعضی دیگر از آنان در خصوص تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش توقف کرده و با رعایت جانب احتیاط از اظهار نظر در این زمینه امتناع ورزیده، سکوت اختیار کرده‌اند (مدرسی، ۱۴۳۱ق: ۶۱؛ یوسف، ۱۹۶۴، ج ۲: ۳۲۴-۳۴۳؛ حسینی قزوینی، ۱۴۳۲ق: ۲۲۹-۲۳۰؛ علوی، ۱۴۳۷ق: ۱۰۵-۱۰۶).

۲. بررسی و نقد آرا

دفن امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان، یکی از مسائلی است که در علم حدیث، کلام و تاریخ محل تدقیق قرار می‌گیرد.^۱ در این خصوص سه نظر وجود دارد که یکی از آن‌ها بر اساس روایات تاریخی به دست می‌آید و دو نظر دیگر را مصادر حدیثی ضبط کرده‌اند. در این میان علم کلام در اعتبارسنجی این سه نظریه نقش و جایگاه خود را می‌یابد.

۲-۱. رأی اول؛ تدفین به دست بنی‌اسد

علما و مورخان قرون میانه اسلامی یعنی سده‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم هجری موضوع دفن امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان توسط بنی‌اسد را در مصادر خود به صورت قطعی ضبط کرده‌اند و نظر دیگری را قید نکرده‌اند. پشتوانه این رأی، گزارش‌های تاریخی است.

از میان علمای شیعه قرون میانه اسلامی^۲، ابوالحسن مسعودی (متوفی ۳۴۶ ق) در کتاب «مروج الذهب و معادن الجواهر»^۳ (مسعودی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۶۳)، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) در کتاب «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» (مفید، ۱۴۱۳ ق (الف)، ج ۲: ۱۱۴)، ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ ق) در کتاب «مناقب آل ابی طالب» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۲۱)، ابن نما حلی (متوفی ۶۴۵ ق) در کتاب «مُتَیَّرُ الْأَحْزَانِ» (ابن نما، ۱۴۰۶ ق: ۸۵)، سید ابن طاووس (متوفی ۶۶۴ ق) در کتاب «اللّهوف فی قتلی الطفوف» (ابن طاووس، ۱۴۱۴ ق: ۸۵) و از میان علمای اهل سنت قرون

۱. پیوستگی میان پدیده‌های تاریخی و نظریه‌های حدیثی کلامی از مطالعات میان‌رشته‌ای است که لزوم غسل یا تجهیز امام متوفی توسط امام بعدی در این شمار است. مسئله تجهیز معصوم، چهار دانش فقه، حدیث، کلام و تاریخ را به هم پیوند می‌دهد (توفیق و میری، ۱۴۰۱: ۳۶).

۲. البته قبل از علمای قرون میانه اسلامی، ابومخنف یحیی بن لوط ازدی (متوفی ۱۵۷ ق) که علمای امامی او را شیعه دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۱۸ ق: ۳۲۰؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۰۴؛ حلی، ۱۳۸۱: ۱۳۶) نیز در کتاب «مقتل الحسین و مصرع اهل بیت» و أصحابه فی کربلاء» می‌نویسد: «و ترکوا القتلی مطروحین بأرض کربلاء و تولی دفنهم أهل القرى» که مقصود او همان بن اسد است (ابومخنف، ۱۴۰۸ ق: ۱۵۷-۱۵۸).

۳. اگرچه صاحب رجال النجاشی، ابوالحسن مسعودی را از رجال شیعه به شمار آورده است (نجاشی، ۱۴۱۸ ق: ۲۵۴)، اما در خصوص اینکه مذهب وی تشیع بوده یا تسنن اختلاف نظر وجود دارد. با وجود این، شواهد تشیع او قوی‌تر به نظر می‌رسد. یکی از محققان معاصر در خصوص مذهب مسعودی، بحث مشیعی انجام داده است که در مجموع تشیع مسعودی را اثبات می‌نماید (مهدوی دامغانی، ۱۳۵۳: ۱۰۱-۱۰۸).

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

میانه اسلامی^۱، طبری (متوفی ۳۱۰ ق) در کتاب «تاریخ الأمم و الملوک» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۵۵)، خوارزمی (متوفی ۵۶۸ ق) در کتاب «مقتل الحسین» (خوارزمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲: ۴۴)، ابن اثیر (متوفی ۶۳۰ ق) در کتاب «الکامل فی التاریخ» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴: ۸۰) می‌نویسند: زمانی که عمر بن سعد در روز یازدهم از کربلا خارج شد، گروهی از مردم روستای غاضریه که از قبیله بنی‌اسد بودند به ساحت قتال در کربلا آمدند و بر اجساد مطهر و خون آلود شهدا نماز خواندند و ایشان را در مضجع فعلی آنان دفن کردند.^۲

افزون بر مصادر تاریخی، در زیارت ناحیه مقدسه نیز به دفن امام حسین (علیه السلام) توسط بنی‌اسد تصریح شده است (مفید، ۱۴۳۴ ق: ۲۷۳؛ ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۴۹۹؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ۲۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۸: ۳۱۷، ۳۲۸). گزاره: «السلام علی من دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى» که در زیارت ناحیه مقدسه آمده، یکی از گزارش‌های حدیثی تاریخی معتبری است که دلالت قطعی بر دفن امام حسین توسط بنی‌اسد دارد (توفیق و میری، ۱۴۰۱ (الف): ۳۷-۳۸). اصل صدور زیارت ناحیه، از سوی حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در مصادر شیعی پذیرفته شده است. علمای تراز اول شیعه آن را به‌عنوان زیارتی مأثور و حدیث مشهور، در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند (انصاری قمی، ۱۳۸۲: ۴۰-۳۶). شیخ مفید نخستین کسی است که از زیارت ناحیه مقدسه در کتاب «المزار الکبیر» خویش در ردیف اعمال روز عاشورا نام می‌برد (مفید، ۱۴۳۴ ق: ۲۷۳). پس از مفید، شاگردش سیدمرتضی علم‌الهدی (متوفی ۴۳۶ ق) از آن در کتاب «مصباح الزائر» خویش یا «المصباح» یاد کرده است (انصاری قمی، ۱۳۸۲: ۳۶-۴۰). سومین کس، ابن المشهدی (متوفی ۵۹۵ ق) در کتاب «المزار الکبیر» است (ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۴۹۹). چهارمین عالم شیعه که به نقل آن پرداخته، سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ ق) است که این زیارت را در «مصباح الزائر» نقل کرده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ۲۲۷). ابن المشهدی در «المزار الکبیر» صریحاً

۱. همچنین پیش از علمای اهل سنت در سده‌های میانه اسلامی، علمای اهل سنت نظیر: بلاذری (متوفی ۲۷۹ ق) در کتاب «أنساب الأشراف» (بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۲۰۵) و ابوحنیفه دینوری (متوفی ۲۸۲ ق) در کتاب «الأخبار الطوال» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۶۰) در همان قرون نخستین اسلامی می‌نویسند: حسین بن علی (علیه السلام) و اصحابش را بنی‌اسد در روز یازدهم دفن کردند.

۲. در قرون بعدی نیز مورخان نظیر ابن کثیر (متوفی ۷۷۴ ق) در کتاب «البدایة و النهایة» دفن امام حسین (علیه السلام) توسط بنی‌اسد را ثبت کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۱۸۹) که پرداختن به آن‌ها خارج از دامنه زمانی این پژوهش است.

می‌نویسد: «زيارة أخرى فى يوم عاشورا لأبى عبدالله الحسين ممّا خرج من الناحية عليه السلام إلى أحد الأبواب» (ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۴۹۶)؛ از این عبارت به‌وضوح روشن می‌شود که زیارت ناحیه، از جانب امام دوازدهم صادر و به یکی از نواب خاصه و ابواب اربعه داده شده است. پس از آن، از طریق راویان بعدی به دست شیخ مفید رسیده و از ایشان به سیدمرتضی علم‌الهدی و راویان پس از وی، منتقل شده است. از همین رو، اسناد این زیارت به امام زمان (علیه السلام) در کتب متأخران، بدون هیچ شک و شبهه‌ای وجود دارد (انصاری قمی، ۱۳۸۲: ۳۶-۴۰).

یکی از مناقشات علمی در خصوص این رأی آن است که برای مورخ مکان دقیق قبور ایشان به‌طور تحقیق و تفصیل روشن نیست. پاسخ این تدقیق علمی را خود صاحب «الإرشاد» چنین می‌دهد: با وجود این که برای ما جای دقیق قبرهای شهدا مشخص نیست، اما ما تردیدی نداریم که حائر^۱ شریف آنان (شهدا) را در بر دارد «إلا أنّنا لا نشك أنّ الحائر مُحيطٌ بهم» (مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ج ۲: ۱۲۶). یکی دیگر از تأملات علمی در ارتباط با دفن امام حسین (علیه السلام) و یارانش توسط بنی‌اسد آن است که بنی‌اسد چگونه توانستند هویت پیکرهای پاک شهدا را که آکنده از زخم و جراحت بود و مهم‌تر از آن هیچ‌یک از شهدا سر بر تن نداشتند و خورشید سوزان عراق اجساد آنان را سوزانده بود بشناسند؟ واقعیت در مصادر تاریخی نصوص دقیق و واضحی درباره تشخیص هویت پیکر شهدا و پاسخ به این مسئله ضبط نشده است. شاید بتوان به این تأمل علمی چنین پاسخ داد که احتمالاً آن دو نفری که در سپاه امام حسین (علیه السلام) حضور داشتند و پس از آنکه ساحت قتال بر آنان تنگ آمد، از معرکه گریختند، همان کسانی باشند که بنی‌اسد را در تشخیص هویت پیکر شهدا راهنمایی کرده باشند و این فرضیه دور از منطوق و عقلانیت نیست.

یکی از آن دو نفر، مرقع بن ثمامة الأسدی است. او یکی از یاران تیرانداز امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا بود که پس از پرتاب تیرهایش و جنگیدن با دشمن، در حالی که بر روی

۱. حدّ حائر، پنج فرسخ از چهار طرف قبر امام حسین (علیه السلام) است که بعضی از قسمت‌های آن به خاطر نزدیکی به محل قبر شریف‌تر است (مفید، ۴۳۴ق: ۱۴۰). حائر به زمینی با طرح هندسی دایره گفته می‌شود که مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان را در آن قرار دارد که قطر آن حدود ۲۳ متر و نصف قطر آن حدود ۱۱/۵۰ متر است.

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

زانوهایش بود، هدف حمله قرار گرفت. در این لحظه، گروهی از بنی‌اسد که در سپاه عمر بن سعد بودند^۱ به او که از قبیله آنان بود نزدیک شدند و به او امان دادند و از او خواستند که به سوی آنان برود. مرقع نیز به آنان پیوست و از میدان جنگ خارج شد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۵۴). در نتیجه، احتمال آن وجود دارد که مرقع بن ثمامه پس از پایان حادثه کربلا به قبیله خود بنی‌اسد بازگشته باشد و با آن دسته از مردان قبیله خود که برای دفن امام حسین (علیه السلام) و یارانش به ساحت قتال رفتند همراه شده باشد؛ با توجه به اینکه شاهد عینی شهادت یاران امام بود و محل شهادت آنان را می‌دانست، قادر به تشخیص هویت شهدا بوده است و بنی‌اسد را از هویت تک تک شهدا آگاه ساخته باشد.

ضحاک بن عبدالله المشرقی شخص دیگر است که از مردان قبیله همدان بود (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۱۸). ضحاک بعد از پیوستن به امام حسین (علیه السلام) به ایشان عرض کرد: من شخصی عیال‌وار و به مردم بدهکار هستم. اگر به من اجازه دهی تا لحظه‌ای که بر دفاع من از شما سودی مترتب باشد در رکاب شما می‌جنگم و زمانی که احساس کنم بودنم سودی برایتان ندارد از شما جدا می‌شوم^۲ (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۱۸-۴۱۹). ضحاک در رکاب امام جنگید و از خودت رشادت و شجاعت نشان داد، اما چون دید یاران امام همه شهید شدند نزد امام رفت و شرط خود را یادآوری کرد؛ امام به او اجازه رفتن داد، پس ضحاک بر اسب سوار شد و از معرکه فرار کرد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۴-۴۴۵). دور از ذهن نیست که ضحاک نیز در دفن امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان، همراه بنی‌اسد حضور یافته و راهنمای آنان بوده است.

۲-۲. رأی دوم؛ تدفین به دست امام سجاد (علیه السلام)

طرفداران این رأی قائل به آن هستند، کسی که امام حسین (علیه السلام) و همچنین شهدای کربلا را دفن یا در دفن آنان مشارکت کرد امام زین‌العابدین (علیه السلام) بود. پشتوانه این رأی، یک

۱. از مردان قبیله بنی‌اسد افرادی نظیر: حیب بن مظاهر الأسدی، انس بن الحرث الکاهلی الأسدی، مسلم بن عوسجه الأسدی، قیس بن مصهر الصیداوی و عمرو بن خالد الصیداوی در شمار یاران امام حسین (علیه السلام) بودند؛ حال آنکه بعضی از مردان همین قبیله نظیر حرملة بن کاهل الأسدی نیز در شمار دشمن امام حسین (علیه السلام) بودند.
 ۲. «فقلت له: إن علی دیناً، وإن لی لعیالاً، ولکنک إن جعلتني فی حل من الانصراف إذا لم أجد مقاتلاً قاتلت عنک ما کان لک نافعاً، وعنک دافعاً؛ قال: فأنت فی حل» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۱۸-۴۱۹).

حدیث است که شیخ الطائفه (متوفی ۴۶۰ ق) آن را روایت کرده و در کتاب «اختیار معرفة الرجال» او نقل شده است. روشن است که اصل این کتاب با نام «معرفة الناقلين» از تألیفات ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی (نیمه اول قرن ۴ ق) است؛ اما اصل کتاب «معرفة الناقلين» تألیف الکشی از بین رفته و آنچه در دست ماست اختیار و انتخاب آن، اثر شیخ طوسی است^۱؛ و در حقیقت از آثار و تألیفات او است (واعظزاده خراسانی، ۱۴۰۹ ق: ۶-۴). آنچه مسلم است شیخ طوسی این کتاب را در کتاب «الفهرست» خویش، جزو تألیفات خود ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۲۴۲).

روایت مذکور در کتاب «اختیار معرفة الرجال» چنین نقل شده است که علی بن ابی حمزه البطائی به همراه ابن السراج و ابن المکاری نزد امام رضا (علیه السلام) آمدند و بطائنی از امام پرسید که [سرنوشت با] پدرت چه کرد؟ امام رضا (علیه السلام) فرمود: فوت کرد. بطائنی پرسید پدرت امامت را به چه کسی واگذار کرد؟ امام رضا (علیه السلام) فرمود: به من. بطائنی پرسید: پس تو امام مفترض الطاعه از جانب خداوند هستی. امام فرمود: بله. بعد از آن بود که این سه نفر با امام رضا (علیه السلام) شروع به جدال کردند تا اینکه بحث آنان به این مطلب رسید که بطائنی به امام رضا (علیه السلام) گفت: برای ما از پدرت امام کاظم (علیه السلام) روایت شده که تجهیز امام معصوم را جز امامی معصوم انجام نمی‌دهد. امام رضا (علیه السلام) به بطائنی می‌گوید به من بگو حسین بن علی (علیه السلام)، امام بود یا خیر؟ بطائنی جواب داد: آری امام بود. امام رضا (علیه السلام) از او پرسید پس چه کسی تجهیز (نماز و تدفین) امام حسین (علیه السلام) را به عهده گرفت؟ بطائنی پاسخ داد: امام سجاد (علیه السلام). امام رضا (علیه السلام) پرسید: زین العابدین (علیه السلام) در آن لحظه کجا بود؟ پاسخ داد: در زندان عبیدالله بن زیاد در کوفه محبوس بود، اما بدون اینکه عبیدالله و یارانش بفهمند از زندان خارج شد [و در کربلا حضور یافت] و پدرش را تجهیز کرد و بازگشت. امام رضا (علیه السلام) به بطائنی پاسخ داد: آن کس که برای امام سجاد این امکان را فراهم ساخت که به کربلا برود و تجهیز پدرش را به عهده بگیرد، همان کس برای

۱. دقیقاً معلوم نیست که شیخ طوسی در گزینش و اختیار رجال کشی چه روشی را پیش گرفته است. به نظر می‌رسد که شیخ، کتاب رجال کشی را بر تلامیذ خود قرائت و املا می‌کرده و در اثنای املا تغییراتی در آن می‌داده است اما بعداً فرصت تجدید نظر در آن نسخه را پیدا نکرده است و به همین علت نسخ اختیار الرجال همه نامنظم و مشتمل بر اغلاطی است (مصطفوی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸).

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

من این امکان را فراهم نمود که از مدینه به بغداد بیایم و دفن پدرم را به عهده گیرم و به مدینه بازگردم در حالی که من نه در زندان و نه در اسارت بودم (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۴۶۳-۴۶۵).

استدلال در این روایت از جانب امام رضا (علیه السلام) بسیار واضح است، اما متأسفانه این روایت از نظر سندی به شدت ضعیف است. علمای مکتب متکلمان و محققان قرون میانه اسلامی^۱ نظیر شیخ مفید نه تنها از این روایت اعراض کرده و کمترین توجهی به آن نکرده‌اند، بلکه برعکس از تجهیز امام حسین (علیه السلام) و یارانش توسط بنی‌اسد یاد کرده‌اند. همین اعراض فقهای متکلم از این روایت، بر تضعیف این روایت می‌افزاید.^۲ سید مرتضی علم‌الهدی (متوفی ۴۳۶ ق) شاگرد ممتاز شیخ مفید نیز در رساله «مسئله فی من یتولی غسل الإمام (علیه السلام)» خود اگرچه صدور معجزه از جانب اهل‌البیت (علیهم السلام) را مبرهن می‌سازد، اما انتقال معجزه‌گونه امام متولی تجهیز معصوم متوفی را نمی‌پذیرد و بدان جواب می‌دهد (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵-۱۵۷). شریف مرتضی در جواب به سؤالی که از وی در خصوص تجهیز امام متوفی به دست امام بعدی شده بود، تبیین می‌نماید که این دست‌روایات، خبر واحد است که موجب علم نمی‌گردد و به استناد آن‌ها نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت (علم‌الهدی: ۱۵۵/۳). از این‌رو، سید مرتضی به هنگام زیارت امام حسین (علیه السلام)، خواندن زیارت ناحیه مقدسه را بر دیگر زیارات وارده مقدم می‌ساخت (ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ۲۲۱-۲۳۵؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۰: ۳۳۵). امام حسین (علیه السلام) جد نهم شریف مرتضی بود (نجاشی، ۱۴۱۸ ق: ۲۷۰؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳، ج ۴: ۱۷۲۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۲۵۶)، در نتیجه طبیعی به نظر می‌رسد که با توجه به قرابت اجدادی که شریف مرتضی با امام حسین (علیه السلام) داشت، کیفیت دفن ایشان را از پدران خود سینه به سینه شنیده باشد (توفیق و میری، ۱۴۰۱ الف: ۳۸؛ همان، ۱۴۰۱ ب: ۹۰).

۱. سید مرتضی علم‌الهدی به صراحت از تفکیک دو مکتب بغداد از قم با نام «متکلمان و محققان» در برابر «اصحاب‌الحديث» یاد می‌کند (علم‌الهدی، ج ۱: ۲۶-۲۷).

۲. از این‌رو سید محسن امین در «رساله‌التنزیه» با قاطعیت می‌نویسد: حدیث آمدن امام سجاد (علیه السلام) به کربلا و همراهی او با بنی‌اسد برای دفن پدرش و روایات دیگر از این دست، در ردیف احادیث فروانی است که صرفاً بر منابع نقل می‌شود و از دروغ‌های واضح و صریح است (حسون، ۱۴۲۳ ق: ۵۶).

در سلسله روات این حدیث، احمد بن سلیمان قرار دارد که فردی مجهول الحال است. پس از او، منصور بن العباس البغدادی است که مضطرب الحدیث بوده است (نجاشی، ۱۴۱۸ ق: ۴۱۳؛ حلی، ۱۳۸۱: ۲۵۹). پس از او نیز اسماعیل بن سهل است که مصادر رجال شناسی امامی درباره او می‌گویند: اصحاب ما او را تضعیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۸ ق: ۲۸؛ حلی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). پس از آن نیز در حلقه پایانی این روایت، نه تنها راوی اساساً مجهول است، بلکه راوی اصرار بر مکتوم ماندن نام خود دارد.^۱

صاحب کتاب «مُعْجَم رِجَالِ الْحَدِيثِ» درباره این روایت می‌نویسد: من می‌گویم این روایت به دلیل آنکه در سلسله راویان آن، احمد بن سلیمان و اسماعیل بن سهل قرار دارند و نیز به خاطر ارسال (مرسل بودن روایت) ضعیف است^۲ (خوئی، ج ۱۲: ۲۴۰-۲۴۱). با تدقیق در این حدیث روشن می‌شود که روایت تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست زین العابدین (علیه السلام) با گزارش‌های تاریخی مخالفت دارد. حال آنکه اگر در ضمن روایتی مطلبی بر خلاف واقعیت‌های مسلم تاریخی نقل شود، شاهدی بر نادرستی و ضعف آن حدیث خواهد بود (مهریزی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۲۹). همان‌گونه که صاحب «المیزان فی تفسیر القرآن» نمونه‌هایی از روایات را چون با تاریخ مسلم معارض بوده، کنار نهاده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۳۸۰؛ همان، ج ۱۵: ۳۷۰)؛ و نیز صاحب «الأخبار الدخيلة» مخالفت با تاریخ را یکی از معیارهای نقد روایت دانسته و بر پایه آن، برخی از روایات را نقد کرده است (تستری، ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۱۷۹-۱۸۱).

اساساً روایت تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم بعدی، برای نخستین و آخرین بار تنها از امام صادق (علیه السلام) در وصیت به امام کاظم (علیه السلام) بیان شده و ریشه تاریخی کار بست آن توسط واقفیه به آغاز امامت امام رضا (علیه السلام) برمی‌گردد. واقفیه، سخن امام صادق (علیه السلام) را از وصیت‌نامه‌ای شخصی به نشانه و علامتی برای شناسایی امام بعدی ارتقا دادند تا بتوانند با احتجاج بدان امامت امام رضا (علیه السلام) را انکار نمایند (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

۱. «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُسْوُودٍ، قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْبَغْدَادِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ سَهْلٍ، قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَسَأَلَنِي أَنْ أُكْتَمَ اسْمُهُ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرَّضَا (علیه السلام) ...» (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۴۶۳).

۲. «أقول: الرواية ضعيفة بأحمد بن سليمان، و بإسماعيل بن سهل، و بالإرسال».

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

حال آنکه در مرام‌نامه اعتقادی شیعه جعفری، آنچه به‌عنوان دلیل بر امامت هر یک از معصومین اقامه می‌شود نص نبوی است و نه تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم بعدی (علم‌الهدی، ۱۴۱۹ق: ۲۲۲؛ همان، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۴۴-۱۴۵؛ علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۸۱؛ همان، ۱۳۷۳: ۸۱). این شبهه‌آفرینی واقفیه باعث شد که شیعیان درباره تجهیز امام متوفی دچار حساسیت افراطی شوند. در نتیجه این حساسیت، بعضی از روایات ضعیف و نادرست وارد مصادر حدیثی و روایی شیعیان شد تا تجهیز ائمه را منطبق بر قاعده «الإمام لا یُعسَلُ إِلَّا إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ (علیه السلام)» بازسازی نماید. تعمیم این قاعده به تجهیز امام حسین (علیه السلام) نیز تسری یافت و نتیجه آن شد که طرفداران این نظریه کوشیدند تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) را منطبق بر واقعیت تاریخی سازند.

اگرچه شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق) برجسته‌ترین نماینده مکتب قم (اصحاب الحدیث) بود که رویکرد این مکتب در تبیین عقاید اسلامی و مسائل کلامی، نص‌گرای بود (توفیق و میری، ۱۴۰۱ (الف): ۲۶، همان، ۱۴۰۱ (ب): ۸۴؛ عطائی نظری، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۳)؛ اما در خصوص قاعده تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم بعدی بر خلاف مکتب خود و هم‌جهت با مکتب متکلمان و محققان، اخبار مربوط را در رد بر جریان واقفیه آورده و به شبهه واقفیه در این خصوص جواب داده است^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۵-۱۰۶).

تا جایی که مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد روایت تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) برای نخستین بار در «إختیار معرفة الرجال» شیخ الطائفه آمده است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۶۳-۴۶۵). این روایت بعد از ضبط در «إختیار معرفة الرجال»، تا قرن یازدهم هجری در دیگر مصادر نقل نشده است. مصادر اعم از تاریخی، زیارات، مناقب و مقاتل از قرن سوم تا قرن یازدهم هجری حکایتگر دفن امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان توسط بنی اسد هستند (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۴). در قرن یازدهم بار دیگر صاحب کتاب «جلاء العیون» موضوع تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد

۱. «قال مصنف هذا الكتاب: إنما أوردت هذه الأخبار في هذا الكتاب رداً على الواقفية على موسى بن جعفر (علیه السلام) فانهم يزعمون انه حی وینکرون امامة الرضا (علیه السلام) وامامة من بعده من الأئمة (علیه السلام)»

علیه السلام را احیا می‌نماید. او در این خصوص می‌نویسد: اهل غاضریه از قبیله بنی‌اسد آمدند و بر آن جسدهای مطهر نماز خواندند و دفن کردند؛ به حسب ظاهر چنین بود، اما در واقع امام را به غیر از امام دفن نمی‌کند. امام زین العابدین (علیه السلام) به اعجاز آمد و جسد مطهر امام حسین (علیه السلام) و سایر شهدا را دفن کرد (مجلسی، ۱۳۸۷: ۶۹۶). از این قرن به بعد بود که سخن مجلسی تا به امروز در میان بیشتر بزرگان شیعه به‌عنوان یکی از عقاید مذهبی پذیرفته شد و رواج یافت (حسینیان مقدم و گودرزی، ۱۳۹۴: ۸۶).

۲-۳. رأی سوم؛ تدفین به دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

قائلان به این نظر، بر این باورند آن کسی که امام حسین (علیه السلام) را دفن کرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. پشتوانه این رأی، حدیثی است که در کتاب‌های «الأمالی» شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی و در کتاب «روضه الواعظین و بصیرة المتعظین» فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸ ق) نقل شده است.

شیخ طوسی حدیثی را با سلسله‌سندی که به عبدالله بن عباس منتهی می‌شود، نقل کرده است. عبدالله بن عباس می‌گوید: «در حالی که من در خانه خود خوابیده بودم فریادی بلند از خانه‌ام سلمه همسر پیامبر شنیدم. پس به سمت خانه اورفتم و مردم مدینه نیز به در خانه او آمده بودند. چون به ام سلمه رسیدم به او گفتم تو را چه شده است که فریاد و ناله می‌کنی، اما او جواب مران داد. تا اینکه به زنان بنی‌هاشم روی کرد و گفت با من بگریید که سرور شما و آقای جوانان بهشت کشته شد. به خدا قسم نواده و ریحانه رسول خدا کشته شد. پس به او گفتند از کجا متوجه قتل حسین شدی؟ جواب داد: همین الان رسول خدا را در خواب پریشان و ترسان دیدم. علت را از ایشان جویا شدم، جواب داد: پسر حسین و اهل بیت او امروز کشته شدند. پس آن‌ها را دفن کردم و الان از دفن آن‌ها فارغ شدم. ام سلمه گفت من برخاستم و وارد خانه (اتاق) شدم و همچنان باور نکرده بودم. پس به تربت (خاک) حسین که جبرئیل آن را از کربلا برای رسول خدا آورده بود و به ایشان گفته بود چون این تربت خونی شد پس فرزند تو کشته شده است و پیامبر آن را به من داد و به من گفت این تربت را در جام شیشه‌ای بگذار و نزد خود نگه

دار، پس چون تربت تبدیل به خون خالص شد پس حسین کشته شده است، هم اکنون نگاه کردم و تربت به خون خالصی که می‌جوشد تبدیل شده است. پس از آن بود که ام سلمه با آن خون صورت خود را گلگون نمود و تمام آن روز را بر حسین ماتم گرفت و نوحه سرایی نمود. چون سواران خبر از حسین آوردند مشخص شد حسین در همان روز کشته شده بود» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۳۱۴-۳۱۵).

نقل شیخ صدوق و شیخ مفید در امالی خود و فتال نیشابوری در «روضة الواعظین و بصیرة المتعظین»، از نقل شیخ طوسی بسیار مختصرتر و اندکی متفاوت‌تر است (ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۲۰۲؛ مفید، ۱۴۱۳ ق (ج): ۳۱۹؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۰). اگرچه شیخ مفید این روایت را در امالی خود گزارش کرده است، شخصاً به این روایت در کتاب الإرشاد خود اعتنای علمی نکرده و آن را نقل نکرده است.

این روایت، گزارشی است از آنچه ام سلمه در عالم رؤیا دید. در نتیجه واضح است ماهیت این گزارش، مشاهده قلبی و روحی (رؤیة) است. رؤیة نیز مسئله‌ای رمزی است؛ زیرا هنگامی که رسول خدا ﷺ به ام سلمه می‌گوید: امروز حسین و اهل بیت وی کشته شدند و من او را دفن کردم و از دفن او فارغ شدم، این سخن یک موضوع رمزی است که مفید معنای رمزی است و هیچ‌کس آن را به معنای حقیقی که واقعاً رسول خدا ﷺ امام حسین (علیه السلام) را دفن کرده است نمی‌فهمد. همان‌گونه که این گزارش گویای آن است که رسول خدا ﷺ امام حسین (علیه السلام) را در همان روز عاشورا دفن کرده است؛ حال آنکه بر کسی پوشیده نیست که امام حسین (علیه السلام) و یارانش در روز عاشورا دفن نشدند؛ چراکه تا پایان روز عاشورا جنگ به طول کشید و مخصوصاً که لشکر عمر سعد تا میانه ظهر روز یازدهم محرم در کربلا حضور داشتند.

افزون بر آن، فقهای متکلم (مکتب متکلمان و محققان) هنگام تعارض دلیل نقلی با دلیل عقلی، حکم به طرد دلیل نقلی و اخذ دلیل عقلی می‌نمودند^۱ (مفید، ۱۴۱۳ ق (ب): ۱۴۹)؛ و قائل به آن بودند که در مسائل اعتقادی باید برای انسان باور یقینی و قطعی

۱. «إن وجدنا حديثاً يخالف أحكام العقول أطر حناه لقضية العقل بفساده» (مفید، ۱۴۱۳ ق (ب): ۱۴۹).

حاصل شود و در این مسائل فقط ادله یقین آور حجت است (توفیق و میری، ۱۴۰۱ الف): ۲۸؛ همان، ۱۴۰۱ (ب): ۸۷-۸۸). در نتیجه، نزد آنان خواب و رؤیا دلیل متقنی برای اثبات باورهای اعتقادی نداشت. ^۱ شیخ مفید حتی در کشف و یافتن حکم فقهی برای خواب و رؤیا اعتباری قائل نبود؛ ^۲ تا چه رسد به معتبر دانستن خواب و رؤیا در پذیرفتن مسائل اعتقادی (مفید، ۱۴۱۳ ق(د): ۱۳۰).

از میان علمای سده‌های میانه اسلامی، منطقی‌ترین و معقول‌ترین نظریه را شریف مرتضی درباره تجهیز امام معصوم (علیه السلام) ارائه داده است. ایشان در جواب سؤالی که از او در این خصوص شده است، می‌گوید: خبر واحد تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم زنده مفید علم نیست. با وجود این، اگر صحت این روایت را بپذیریم، باید امام معصوم در قید حیات امکان و قدرت بر عهده گرفتن تجهیز معصوم متوفی را داشته باشد تا آن را انجام دهد و گرنه بدون تحقق دو شرط امکان و قدرت، تجهیز معصوم متوفی به دست امام زنده منتفی خواهد بود ^۳ (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵). سیدمرتضی راهی میانه اما معقول در پیش گرفته است؛ لذا از نظر ایشان از آنجا که در خصوص امام حسین (علیه السلام) امکان و قدرت تجهیز آن حضرت برای امام سجاد (علیه السلام) میسر نبوده است، این فرض قابل قبول نیست.

۳. نتیجه‌گیری

درباره مسئله دفن امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان، سه دیدگاه عمده در قرون میانه اسلامی وجود داشته است؛ یکی از این سه دیدگاه بر پایه روایات تاریخی و دو دیدگاه دیگر بر پایه دو حدیث متفاوت بیان شده است. این سه دیدگاه عبارتند از:

الف. تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست بنی اسد؛

ب. تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست امام زین‌العابدین (علیه السلام)؛

ج. تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله).

۱. برای نمونه: سید مرتضی نیز برای منامات و خواب اعتباری قائل نبود و آن را باطل می‌شمرد (علم‌الهدی، ۱۹۹۸، ج ۲: ۳۹۲).

۲. «و مع ذلك فإننا لسننا نثبت الأحكام الدينية من جهة المنامات» (مفید، ۱۴۱۳ ق(د): ۱۳۰).

۳. «و ليس يتمتع في هذه الأخبار إذا صحت أن يراد بها الأكثر الأغلب، و مع الإمكان و القدرة» (علم‌الهدی، ج ۳: ۱۵۵).

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

با بررسی سه دیدگاه فوق این نتیجه حاصل شد که دیدگاه صحیح، تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست بنی اسد است و دو دیدگاه دیگر فاقد اعتبار و نادرست هستند. بعضی از مهم‌ترین دلایل مخدوش بودن دو دیدگاه دیگر به شرح زیر است:

۱. روایت تجهیز امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام) برای نخستین بار در «اختیار معرفة الرجال» شیخ الطائفه آمد و تا قرن یازدهم هجری که بار دیگر صاحب کتاب «جلاء العیون» آن را احیا کرد، در دیگر مصادر نقل نشده است.

۲. روایت تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست امام سجاد (علیه السلام)، روایتی مُرسل است و در سلسله روایات این حدیث، افراد مجهول الحال و مضطرب الحدیث قرار دارند.

۳. منشأ صدور روایت تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صرفاً یک خواب و رؤیاست.

۴. رمزآلود بودن روایت تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عدم اعتبار خواب در پذیرفتن مسائل اعتقادی و فقهی از ایرادات وارده بر دیدگاه سوم است.

۵. هر دو روایت خلاف واقعیت‌های مسلم تاریخی است؛ در حالی که مخالفت با تاریخ یکی از معیارهای نقد احادیث است.

۶. امام سجاد (علیه السلام) و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) امکان تدفین امام حسین (علیه السلام) را نداشتند؛ بنابراین فرض تدفین به دست این دو معصوم مردود است.

۷. عدم اعتنای علمی فقهای متکلم و مورخ مکتب بغداد به این دو روایت و پذیرش و صحیح دانستن روایت تدفین امام حسین (علیه السلام) به دست بنی اسد.

۸. بر خلاف شبهه واقفیه، نشانه و دلیل بر امامت هر یک از ائمه، نص نبوی است نه تجهیز معصوم متوفی به دست معصوم در قید حیات.

منابع و مأخذ

- آل طعمه، سید عبدالحسین کلیدار. (۱۹۶۶). *بغیة النبلاء فی تاریخ كربلاء*. بغداد: مطبعة الإرشاد.
- آل کلیدار، محمد حسن مصطفی. (۱۹۴۷). *مدینة الحسین أو مختصر تاریخ كربلاء*. بغداد: مطبعة النجاح.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد الجززی. (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا*. تحقیق مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۴۱۷ق). *الأمالی*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامية. قم: مؤسسة البعثة.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین أبی الفضل. (۱۴۰۷ق). *لسان المیزان*. بیروت: دار الفکر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۴۱۲ق). *مناقب آل أبی طالب*. تحقیق یوسف البقاعی. الطبعة الثانية. بیروت: دار الأضواء.
- ابن طاووس، رضی الدین أبی القاسم. (۱۴۱۴ق). *مقتل الحسین المسمی باللہوف فی قتلی الطفوف*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۴۱۶ق). *مصباح الزائر*. تحقیق مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- ابن کنیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷ق). *البدایة و النہایة*. بیروت: دار الفکر.
- ابن مشهدی، ابوعبدالله محمد بن جعفر. (۱۳۷۸). *المزار الكبير*. تحقیق جواد القیومی الأصفهانی. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة، مؤسسة النشر الإسلامی.
- ابن نما، نجم الدین جعفر بن محمد الحلی. (۱۴۰۶ق). *مُثیرُ الأُحزان*. تحقیق مدرسة الإمام المهدي. الطبعة الثالثة. قم: مدرسة الإمام المهدي.
- ابومخنف، لوط بن یحیی. (۱۴۰۸ق). *مقتل الحسین و مصرع أهل بيته وأصحابه فی كربلاء*. الكويت: مكتبة الألفین.
- أمین عاملی، سید محسن. (۱۹۹۶). *لواعج الأشجان فی مقتل الحسین*. تحقیق سید حسن امین. بیروت: دارالأمیر للثقافة و العلوم.
- انصاری قمی، ناصر الدین. (۱۳۸۲). «بررسی اسناد زیارت ناحیه مقدسه». *موعود*. سال هفتم. شماره ۴۲. صص: ۳۶-۴۰.
- بلادری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دار الفکر.
- تستری، محمد تقی. (۱۴۰۱ق). *الأخبار الدخیلة*. علق علیه علی اکبر الغفاری. الطبعة الثانية. تهران: مكتبة الصدوق.
- توفیق، سعید؛ میری، و جیهه. (۱۴۰۱ق). «بررسی تطبیقی دیدگاه کلامی دو مکتب قم و بغداد در خصوص تجهیز امام معصوم (علیه السلام) مطالعه موردی: تجهیز موسی بن جعفر کاظم (علیه السلام)». *اندیشه دینی*. شماره ۳. صص: ۵۰-۲۱.
- _____ (۱۴۰۱ق). «بررسی تطبیقی دیدگاه کلامی دو مکتب قم و بغداد درباره تجهیز امام معصوم (علیه السلام) مطالعه موردی: تجهیز علی بن موسی الرضا (علیه السلام)». *فرهنگ رضوی*. شماره ۳۸. صص: ۷۹-۱۰۴.
- حسینیان مقدم، حسین؛ گودرزی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «تطورشناسی رویکردها در تدفین شهدای كربلاء». *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. سال دوازدهم. شماره ۳۸. صص: ۷۳-۱۰۱.
- _____ (۱۳۹۶). «بازشناسی حدیث «الإمام لا یغسله إلا الإمام» در گفتمان واقفیه و امامیه». *علوم حدیث*. سال ۲۲. شماره ۴. صص: ۱۰۲-۱۲۲.

- حسون، محمد. (۱۴۲۳ق). **قراءة فی رسالة التنزیه للسید محسن الأمين**. قم: انتشارات سعید بن جبیر.
- حسینی قزوینی، سید عبدالکریم. (۱۴۳۲ق). **الوثائق الرسمية لثورة الإمام الحسين (علیه السلام)**. الطبعة السابعة. كربلاء: قسم الشؤون الفكرية والثقافية فی العتبة الحسينية المقدسة.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱). **رجال العلامة الحلی، خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال**. النجف الأشرف: منشورات المطبعة الحیدریة.
- خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد. (۱۴۱۸ق). **مقتل الحسين**. تحقیق محمد السّمّوی. تصحیح دار انوار الهدی. قم: منشورات انوار الهدی.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). **معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواة**. النجف الأشرف: مكتبة الإمام الخوئی.
- شاه عبدالعظیمی، سید محمد علی. (۱۳۸۲). **الإيقاد فی وفات النبی والزهاء والأئمة أجمعین وتفصیل واقعة الطف تماماً**. النجف: مطبعة الحیدریة.
- شهرستانی، سید صالح. (۱۴۲۶ق). **تاریخ النبیاحة علی الإمام الشهيد الحسين بن علی (علیه السلام)**. تحقیق نبیل رضا علوان. الطبعة الثانية. قم: مؤسسة أنصاریان للطباعة والنشر.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷). **تاریخ الأمم والملوک**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. الطبعة الثانية. بیروت: دار التراث.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۶). **تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة**. تصحیح و تعليق علی أكبر الغفاری. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- _____ . (۱۴۰۹ق). **اختیار معرفة الرجال**. تحقیق حسن مصطفوی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- _____ . (۱۴۱۴ق). **الأمالی**. تحقیق قسم الدراسات الإسلامية. قم: دار الثقافة.
- _____ . (۱۴۱۷ق). **الفهرست**. تحقیق جواد القیومی. قم: مؤسسة نشر الفقاهة.
- عسکری، سید مرتضی. (۱۴۲۶ق). **معالم المدرستین**. الطبعة الثانية. قم: مرکز الطباعة والنشر للمجتمع العالمی لأهل البيت.
- عاشور، علی. (۱۴۳۰ق). **الصحيح من سيرة الإمام الحسين بن علی (علیه السلام)**. بیروت: مؤسسة تاریخ العربی.
- عطائی نظری، حمید. (۱۳۹۷). «نگاهی به ادوار و مکاتب کلامی امامیه در قرون امامیه». **آینه پژوهش**. سال بیست و نهم. شماره سوم. صص: ۵۶-۳.
- عقاد، عباس محمود. (۲۰۰۶). **أبو الشهداء الحسين بن علی**. الطبعة الثامنة. القاهرة: نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع.
- علم الهدی، سید مرتضی علی بن الحسين. (بی تا). **رسائل الشریف المرتضی**. تقدیم و اشراف السید احمد الحسينی. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- _____ . (۱۳۷۳). «الأصول الإعتقادیة». صص ۷۹-۸۲. **نفائس المخطوطات**. المجموعة الثانية. تحقیق محمد حسن آل یاسین، بغداد: دار المعارف.
- _____ . (۱۴۱۰ق). **الشافی فی الإمامة**. تحقیق و تعليق السید عبدالزهاء الحسينی. تصحیح السيد فاضل الميلانی. الطبعة الثانية. تهران: مؤسسة الصادق للطباعة والنشر.
- _____ . (۱۴۱۹ق). **شرح جمل العلم والعمل**. تصحیح و تعليق یعقوب جعفری. تهران: دار الأسوة للطباعة والنشر.

- _____ (۱۴۳۱ق). **تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التأویل)**. تصحیح سیدمجتبی احمد موسوی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات.
- _____ (۱۹۹۸). **غُرر الفوائد و ذُرر القلائد (أمالی المرتضی)**. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. القاهرة: دار الفكر العربی.
- علوی، سید عادل. (۱۴۳۷ق). **مقتل الإمام الحسين (علیه السلام)**. الطبعة الثانية. قم: المجمع الإسلامي العالمي للتبلیغ والإرشاد.
- فاضل دربندی، آغا بن عابد شیروانی حائری. (۱۴۱۵ق). **إكسیر العبادات فی أسرار الشهادات**. تحقیق محمد جمعه بادی و عباس ملا عطیه الجمری. المنامة: شركة المصطفی للخدمات الثقافية.
- فنتال نیشابوری، محمد بن أحمد. (۱۳۷۵). **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**. قم: منشورات الشریف الرضی.
- قاینی بیرجندی، محمد باقر. (۱۳۸۶). **کبریت الأحمر فی شرائط المنبر**. تهران: اسلامیة.
- قرشی، باقر شریف. (۱۴۱۳ق). **حیة الإمام حسین بن علی (دراسة وتحلیل)**. الطبعة الرابعة. قم: مدرسة العلمية الإيروانی.
- قزوینی، فضل علی. (۱۴۳۷ق). **الإمام الحسين (علیه السلام) وأصحابه**. تحقیق سید أحمد حسینی آشکوری. كربلاء: العتبة الحسينية المقدسة.
- قمی، عباس. (۱۴۲۱ق). **نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسين المظلوم**. بی جا: انتشارات مكتبة الحیدریة.
- کاشی، عبدالوهاب. (۱۴۲۳ق). **مأساة الحسين بین السائل والمجیب**. بیروت: دار العلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. الطبعة الثالثة المصححة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۳۸۷). **جلاء العیون**. تحقیق سید علی امامیان. چاپ سیزدهم. قم: انتشارات سرور.
- مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۳۱ق). **الإمام الحسين قُدوة و أسوة**. الطبعة الثانية. بیروت: مركز العصر للثقافة و النشر.
- مسعودی، أبو الحسن. (۱۴۰۹ق). **مروج الذهب و معادن الجواهر**. تحقیق أسعد داغر. الطبعة الثانية. قم: دار الهجرة.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۰۹ق). **مقدمه اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشی**. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). **المقنعة**. الطبعة الثانية. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- _____ (۱۴۱۳ق (الف)). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ (۱۴۱۳ق (ب)). **تصحیح اعتقادات الإمامیة**. الطبعة الثانية. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ (۱۴۱۳ق (ج)). **الأمالی**. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ (۱۴۱۳ق (د)). **الفصول المختارة من العیون و المحاسن**. تحقیق علی میر شریفی. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
- _____ (۱۴۳۴ق). **المزار الكبير**. تحقیق أحمد علی مجید الحلی. قم: منشورات مكتبة العلامة المجلسی.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۴۱۸ق). **رجال النجاشی**. تحقیق سید موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين یقم.
- مهدوی دامغانی، محمود. (۱۳۵۳). «ابوالحسن علی بن حسین مسعودی و برخی از آثار او». **مطالعات اسلامی**. شماره ۱۲. صص: ۹۶-۱۱۷.
- موسوی مرقم، سید عبدالرزاق. (بی تا (الف)). **مقتل الحسين أو حدیث كربلاء**. قم: منشورات الشریف الرضی.

(سیده و جیهه میری، سعید توفیق)

- _____ . (بی تا ب). **الإمام زین العابدین**. قم: دارالشبستری للمطبوعات.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۹۰). **حدیث یزوهی**. چاپ دوم. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۴۱۱ق). **مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ وَ مُسْتَنْبَطُ الْمَسَائِلِ**. تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین. (۱۹۷۹). **معجم البلدان**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ . (۱۹۹۳). **معجم الأدباء إرشاد الأريب الى معرفة الأديب**. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار الغرب الإسلامي.
- یوسف، عبدالله احمد. (۱۴۳۹ق). **سيرة الإمام الحسين** (دراسة تحليلية للحياة الأخلاقية والعلمية والسياسية للإمام الحسين). كربلاء: العتبة الحسينية المقدسة.
- واعظ‌زاده خراسانی، محمد. (۱۴۰۹ق). **مقدمه اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي**. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

Historical Review and Criticism of the Narrations of the Burial of Imam Hosein (as) in the Middle Islamic Centuries

Seyyede Vajih Miri ¹ Saeed Tofigh ²

Received: October 19 , 2025

Revised: December 13 , 2025

Accepted: December 14 , 2025

Abstract

The burial of Hussein ibn Ali (a.s.) and her companions is one of the first issues that attracts the attention of the people of Nazar after the end of the Karbala incident. It is important to examine this issue carefully because Umar Sa'd took all of Imam Hussein's (AS) family captive with him to Kufa. After leaving the battlefield, the bodies of the martyrs were left unburied on the ground. In the Islamic Middle Ages, Shiite scholars paid special attention to this issue; and as a result, they incorporated historical hadiths and narrations into the Shiite heritage.

Having stated this issue, the present article is organized with a descriptive-analytical method around the answers to the following two questions:

- a) What theories were proposed regarding the burial of Imam Hussein (AS) in the Islamic Middle Ages?
- b) Which of the theories regarding the burial of Imam Hussein (AS) in the Islamic Middle Ages is closer to historical reality?

This article examines these three opinions in a descriptive and analytical manner. The first opinion, which has a historical origin, believes that the Bani Asad were responsible for burying the body of Hussein ibn Ali (a.s.) and his companions. The second opinion, which is recorded in the hadith source "Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal", believes that Imam Zayn al-Abidin (a.s.) was responsible for burying his martyred father. The third opinion, which is stated in the book "Al-Amali" by Sheikh Al-Ta'ifa, believes that the Messenger of God (PBUH) was entrusted with the burial of his martyred tribe. Each of the three opinions mentioned is subject

1. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran: v.miri@ilam.ac.ir

2. PhD in Shiite History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran (Corresponding author): tofigh_saeed@yahoo.com

to scholarly controversy; However, among these three opinions, the one that seems closest to the truth and reality is the first opinion, which the scholars of both sects agree on. Among the Imami Shia scholars, the Baghdad theologians (the school of theologians and researchers) have considered this opinion correct; and they do not believe that Imam Hussein (AS) will be equipped by the next infallible one.

Keywords

Imam Hussein (AS), Imam Sajjad (AS), Messenger of God (PBUH), Bani Asad, burial.